

بررسی و نقد

شبهه مخیر بودن مکلف قادر بین روزه و فدیّه

با تأکید بر عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»*

□ مهدی عبادی^۱

□ محمد مختاری^۲

چکیده

در آیه ۱۸۴ سوره بقره با توجه به عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةُ طَعَامٍ مِسْكِينٍ»، شبهه جواز روزه گرفتن یا طعام دادن به مساکین برای مکلف قادر مطرح شده است. برخی مدعی‌اند که کلمه «یطیقونه» به معنای کسانی است که توانایی روزه گرفتن دارند و خداوند حتی به افراد قادر نیز اجازه داده است که چنانچه تمایل به روزه گرفتن نداشتند، می‌توانند به جای آن مساکین را اطعام نمایند. آنان شاهد بر ادعای خویش را روایاتی قرار داده‌اند که معصومان علیهم‌السلام هر جا ماده «إِطَاقَةً» را به کار برده و معنای عجز و ناتوانی را اراده کرده‌اند، حرف نفیی به همراه آن آورده‌اند. بر اساس یافته‌های این جستار که با استفاده از منابع

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۳.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول) (ebadi@shmu.ac.ir).

۲. دانش‌پژوه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن، مدرسه تخصصی قرآن و عترت، حوزه علمیه خراسان (mohammad_6120@yahoo.com).

کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی - توصیفی به رشته تحریر درآمده است، درست است که «یطیقونه» معنای توانایی دارد، اما افزون بر قدرت، قید مشقت و سختی بیش از اندازه که موجب عسر و حرج می‌شود، در دل آن وجود دارد. تبیین معنای مشقت در کنار توانایی در «یطیقونه» با استفاده از تحلیل همان روایات و سیاق آیات ۱۸۳ و ۲۸۶ بقره امکان‌پذیر است. بنابراین همه کسانی که با دشواری فراوان، توانایی بر روزه گرفتن داشته باشند، معذور خواهند بود و روزه بر آنان واجب نیست.

واژگان کلیدی: روزه، مکلف قادر، یطیقونه، اطعام مسکین، مشقت.

مقدمه

یکی از احکام عبادی در شریعت اسلام، وجوب روزه گرفتن است. بر اساس منابع اسلامی، دستور روزه ماه رمضان در دوم شعبان (قمری، ۱۴۰۴: ۴۹۵) یا ۲۸ شعبان سال دوم هجری قمری، ۱۳ روز پس از تغییر قبله وضع شد (یعقوبی، ۱۳۴۱: ۲/۲۴). خداوند در آیات ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره، حکم وجوب روزه، زمان و مدت انجام این فریضه و همچنین برخی از شروط و استثنائات این حکم را بیان کرده است. در آیه ۱۸۴ سوره بقره پس از حکم وجوب روزه، عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ» آمده است که بیانگر یک استثناست. برخی ادعا کرده‌اند که این عبارت، روزه گرفتن را حتی برای افرادی که می‌توانند روزه بگیرند، اختیاری کرده است (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱/۱۲۱).

پاسخ به سؤالات و شبهات قرآنی، از این منظر ضروری است که قرآن کریم تنها کتاب آسمانی دین مبین اسلام و معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد و چنانچه فهم درستی از آیات آن حاصل نشود، زمینه‌ساز انحراف فکری و عملی و سست شدن پایه‌های اعتقادی مسلمانان خواهد بود.

در واقع، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که باتوجه به عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، آیا می‌توان قائل به تخییر در روزه گرفتن و پرداخت فدیة به جای روزه برای همه مؤمنان شد؟ و سؤال فرعی عبارت است از اینکه آیا روایاتی که ادعا می‌شود مؤید معنای قدرت و توانایی در واژه «یطیقونه» هستند، امکان اثبات این تأیید را دارند؟

گفتارهای اصلی که در این نگارش به آن‌ها پرداخته شده است، عبارت‌اند از: بررسی تفسیری آیه ۱۸۳ سوره بقره که شامل بررسی لغوی واژگان اصلی و شأن نزول است، بیان اقوال و مصادیق در عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، تقریر کامل شبهه به همراه بیان روایات ادعایی و دلایل نقد آن.

پژوهش‌هایی به واژه‌شناسی کلمه «یطیقونه» (طیب‌حسینی، ۱۳۹۹) و «بازکاوی واژه طاق در آیه صوم» (مسعودی، ۱۳۹۱) پرداخته‌اند. همچنین در بحث نسخ آیه ۱۸۴، مقاله «من تاریخ التشریع: الآیة المنسوخة «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ»» (عبدالباقی، ۱۳۷۵) وجود دارد. اما پژوهشی که به صورت مجزا به تقریر کامل شبهه از جنبه روایات مذکور، تحلیل و نقد برداشت غیر دقیق از آن روایات و همچنین دلایل نقد این شبهه پرداخته باشد تا آنجا که نویسندگان فحص نموده‌اند، نگارش نشده است.

۱. کلیات

۱-۱. مفهوم‌شناسی واژگان

یکی از مهم‌ترین ارکان در فهم صحیح عبارات، واکاوی معانی اصیل واژگان است. تا هنگامی که پژوهشگر یا محقق علمی، مفهوم واضحی را از کلمات دریافت نکند، نمی‌تواند تحقیقات گسترده‌تری حول آن موضوع انجام داده و به نتایج قابل قبولی دست یابد. با توجه به اینکه ثقل بحث در آیه ۱۸۳ سوره بقره، بر واژه «یطیقونه» می‌باشد، تنها به بررسی لغوی و اصطلاحی این کلمه به صورت عمیق خواهیم پرداخت و در کنار آن، معنای لغوی «فدیه» نیز اجمالاً بیان می‌شود.

۱-۱-۱. «يُطِيقُونَهُ»

آنچه امید پاسخ‌گویی به حل این شبهه را زیاد می‌کند، واژه «یطیقونه» است. به گفته فراهیدی، به هر چیز دایره‌ای شکل که شیء دیگری را احاطه کند، «طوق» گفته شده، مانند سنگ آسیاب که محور را احاطه کرده است. «طائق» هر چیز، آن است که اطرافش را احاطه کرده است؛ از قبیل کوه یا تپه و جمع آن «اطواق» است و «طوق» مصدر است از «طاق» که اسم می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۲/۵).

برخی این کلمه را جمع «طوق» می‌دانند و «طَوَّقْتُه الشَّيْءَ» یعنی آن چیز را طوق او قرار دادم. از تکلیف، به طوق تعبیر شده است و طوق هر چیز، آن چیزی است که دور آن را احاطه کرده است (مقری فیومی، بی‌تا: ۵۲۱).

«یطیقونه» فعل مضارع از باب افعال و از ماده «طوق» در اصل به معنای حلقه‌ای است که به گردن می‌اندازند و یا به طور طبیعی در گردن وجود دارد. مانند حلقه رنگین گردن بعضی از پرندگان. سپس به معنای باری بر دوش کسی تحمیل کردن که او را به رنج و مشقت بیندازد، به کار رفته است و «طاقة» اسم است به معنای آن مقدار کاری که انسان می‌تواند با مشقت انجام داده و به عجز رسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۲).

۲-۱-۱. «فَدِيَّةٌ»

اصل در این ماده عبارت است از: قرار دادن شیئی به عنوان عوض از شیء دیگر؛ یکسان است که این عوض مال باشد یا موضوعی خارجی. در واقع، کلمه «فدیه» به مفهوم بدل و جایگزین استعمال شده که در این آیه به معنای عوض مالی است که به جای روزه پرداخت می‌شود که همان طعام مسکین باشد و به طور کلی دادن مال یا شخصی برای آزادی اسیر، فدیة دادن مالی در برابر طلاق دادن زوجه و یا اعطای مال در رفع عقوبت. «فدیه» در قبال ترک واجب یا کفاره است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰ و ۱۹). قانون پرداخت فدیة، همانند تکلیف قضای روزه مریض و مسافر لازم است؛ زیرا عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ» تعبیری است که بیانگر وجوب تعیینی می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱/۲).

۲-۱. شأن نزول

این آیه در مدینه بر پیامبر ﷺ نازل گردیده است. محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که این قسمت از آیه «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ» هنگامی نازل شد که رسول خدا در ماه رمضان به «کُراع الغمیم» واقع در ۱۷۰ مایلی مدینه رفته بود و پس از به جای آوردن نماز صبح، آبی برای آشامیدن طلبید و دستور داد که همراهان نیز افطار نمایند. صحابه که همراه پیامبر بودند، گفتند: ای رسول خدا! اجازه فرمایید که روزه بگیریم. فرمود: هر کس روزه بگیرد، از عاصیان شمرده شود. محمد بن مسلم آنگاه اضافه نموده و گوید که پیامبر در مسافرت به هیچ وجه نه روزه واجب

می گرفت و نه روزه مستحب (حسینی بحرانی، ۱۴۱۵: ۳۸۶/۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱۶۴/۱-۱۶۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۴۱/۲).

از مجاهد روایت شده است که این قسمت از آیه: ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ درباره مولای قیس بن السائب نازل گردیده که روزه خود را شکست و بابت هر روز، مسکینی را اطعام نمود (سهیلی، ۱۴۱۲: ۳۶۰/۵؛ داودی، بی تا: ۳۰۶/۲).

۲. اقوال و مصادیق در مورد عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»

۱-۲. قول به نسخ

گروهی از مفسران معتقدند که در ابتدا مسلمانان بین روزه و افطار مخیر بوده‌اند و این حکم با آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...﴾ (بقره/ ۱۸۵) نسخ شده است. آیه ناسخ مطابق روایات وارده (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۳۸/۲)، آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ می‌باشد؛ به طوری که پس از نزول آیه ۱۸۳ بقره و تعبیر ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾، هر مسلمانی مخیر بود میان روزه گرفتن و فدیة دادن، یکی را انتخاب کند، تا زمانی که آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ نازل شد و آن را نسخ نمود (حسینی آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵: ۴۵۶/۱؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۲۱۸/۱). شاید علت پذیرش قول نسخ، برداشت معنای قدرت از واژه «یطیقونه» در آیه ۱۸۴ بقره باشد. بر این اساس، معنای آیه چنین می‌شود: کسانی که قدرت روزه گرفتن دارند، فدیة بدهند. این برداشت از آیه در تعارض با اجماع فقهاست؛ زیرا افرادی که می‌توانند روزه بگیرند و مریض و مسافر هم نیستند، فقط مکلف به گرفتن روزه بوده و نمی‌توانند فدیة بپردازند (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۲؛ بغوی، ۱۴۲۳: ۱۵۱/۱؛ فخرالدین رازی، ۱۴۱۵: ۲۴۹/۲).

در مقابل پذیرش قول نسخ، برخی از مفسران همچون فخرالدین رازی اعتقادی به منسوخ بودن آیه ندارند. از ادله‌ای که به آن‌ها برای بطلان قول به نسخ استفاده شده است می‌توان به قاعده «مخالفت با اصل» و «مخالفت با سیاق» اشاره کرد؛ زیرا اصل عدم نسخ است مطلقاً، مگر دلیلی برای نسخ پیدا شود و حکم به نسخ در صورت نبود دلیل، خلاف اصل و سیاق خواهد بود. همچنین طبق سیاق آیه که حکم مریض و

مسافر را بر «الذین یطیقونه» مقدم کرده، بطلان قول نسخ روشن است؛ چرا که حکم اختیار همه مکلفان میان روزه یا فدیة، نسبت به حکم قضای روزه برای مریض و مسافر عام محسوب شده و ذکر حکم خاص قبل از عام در این سیاق وجهی ندارد (رشید رضا، بی تا: ۱۵۷/۲).

فخر رازی در بیان بطلان قول به نسخ می گوید:

قائلان به منسوخ بودن آیه عقیده دارند که ناسخ این آیه، آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ است، در حالی که چنین نیست؛ زیرا خداوند متعال در پایان این آیه فرموده است: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (بقره/ ۱۸۵) و اگر این آیه ناسخ می بود، فراز ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ در ادامه آن نمی آمد؛ چرا که در این صورت، وجوب تخییری روزه برداشته شده و حکم شدیدتر شده است. در واقع، حکم ساده برداشته شده و عسر و سختی ثابت گردیده است، پس چگونه سزاوار بود که در ادامه بگوید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (فخرالدین رازی، ۱۴۱۵: ۲/۲۴۹).

۲-۲. در تقدیر گرفتن «لا»

برخی گفته اند: در این آیه قبل از «یطیقونه» حرف «لا» حذف شده است و مراد این است که کسانی که طاقت نمی آورند، به جای روزه به مسکین طعام دهند (زرکشی، ۱۳۷۶: ۳/۲۱۵؛ خفاجی، ۱۴۱۷: ۲/۴۶۲؛ کاشانی، ۱۳۸۸: ۱/۴۳۸؛ ابن عطیة اندلسی، ۱۳۹۵: ۲/۴۳). در استعمالات قرآنی یا اشعار نیز مواردی وجود دارد که حرف «لا» حذف شده است؛ برای مثال، برادران یوسف گفتند: ﴿تَاللَّهِ تَفْتَوُ تَذْكُرُ يَوْسُفَ﴾ (یوسف/ ۸۵)، «لا تفتأ» یا «ما تفتأ» به معنای «لا یزال» است. برادران یوسف قسم خوردند که تو همیشه به یاد یوسف هستی.

در پاسخ می گوئیم: اولاً در تقدیر گرفتن حرف، خلاف اصل بوده و اولویت با عدم تقدیر - در فرض نبود قرینه - است. ثانیاً معنای صحیح «یطیقونه» کسانی هستند که روزه برای آن ها «طاقت فرسا» است. کسی که حرف «لا» را در تقدیر می گیرد، تصور کرده که «یطیقونه» به معنای کسانی است که توانایی دارند، از طرفی نیز ملاحظه کرده که توانایی، نشانه وجوب روزه است، پس ناچار شده که بگوید لفظ «لا» در تقدیر

است. در حالی که واژه یادشده، توانایی خاص است که با مشقت، رنج و هزینه کردن آنچه در توان دارد، همراه است. این گروه افطار می‌کنند، ولی کفاره می‌دهند. در این صورت، تقدیر لفظ «لا» غلط خواهد بود (سبحانی، ۱۳۹۹: ۳۴۹).

۳-۲. مصادیق «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»

در باب اینکه مراد از «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» چه کسانی هستند، نیز اختلاف نظر است.

۱- برخی از علمای اهل سنت آن را تبیینی برای مسافر و مریض می‌دانند (صابونی، ۱۴۲۱: ۱۰۸/۱).

۲- در ابتدا، حکم جواز روزه و فدیة مختص زن حامله و شیرده بود. سپس این حکم با آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...» نسخ گردید که این گروه هم باید روزه بگیرند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۰۸-۳۰۷/۱؛ سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۲۰۳/۱).

۳- افرادی که از ابتدا توانایی داشتند و سپس عاجز شدند (طوسی، بی‌تا: ۱۱۸-۱۱۹).

۴- حکم سالخوردگان را بیان می‌کند که اگر روزه گرفتن برایشان مشقت داشت، فدیة دهند و اگر خواستند یکی را برگزینند، روزه گرفتن اولی است (میبیدی، ۱۳۷۱: ۴۸۵/۱؛ بغوی، ۱۴۲۳: ۲۱۵/۱).

۵- «یطیقونه» کسانی هستند که ضمن توانایی، میان روزه و اطعام مسکین مختارند؛ یعنی: «الَّذِينَ يُطِيقُونَ الصَّوْمَ فَلَهُمْ جَوَازٌ بَيْنَ الصَّوْمِ وَالْإِطْعَامِ» (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱۲۱/۱).

۶- دختران ضعیف که تازه بالغ شده‌اند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۳۳۵/۱).

۷- در تفسیر لاهیجی آمده که مراد از «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» افرادی هستند که در گذشته توانایی بر روزه داشتند و اکنون به علت پیری، مرض تشنگی یا... به زحمت قادر بر روزه گرفتن خواهند بود (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱۶۴/۱).

۸- «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةُ طَعَامٍ مَسْكِينٍ» مربوط به افرادی است که امیدی به خوب شدن از بیماری ندارند. همچنین شاغلان مشاغل سخت مانند کارگران معادن و... و مجرمانی که محکوم به مشاغل طاقت‌فرسا شده‌اند نیز شامل این حکم شده و می‌توانند عوض از روزه فدیة بپردازند (مراغی، بی‌تا: ۷۲/۲).

۹- عده‌ای که با رنج و زحمت می‌توانند روزه بگیرند، مانند پیران و یا نوجوانان که

خوف ضرر هم ندارند، اما روزه گرفتن برایشان بسیار دشوار بوده و با مشقت همراه است. این گروه اگر روزه نگرفتند، باید جایگزین و بدل از روزه، یک مد طعام به مسکین بدهند. به عقیده ما کسی که قدرت دارد، باید برای هر روز دو «مد» بدهد و چنانچه قدرت ندارد، یک «مد» کافی است (طبرسی، بی تا: ۲/۲۰۳-۲۰۵؛ بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۰۷).

با توجه به اقوال مطرح شده در زمینه مصادیق «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، آنچه صحیح به نظر می‌رسد آن است که در این زمینه، حکم متوجه افرادی است که با زحمت و مشقت زیاد می‌توانند روزه بگیرند. طبق این بیان، سالخوردگان، زنان باردار یا شیرده که با مشقت فراوان توان روزه دارند، دختران یا پسرانی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند یا کارگران مشاغل سخت که نمی‌توانند شغل خود را عوض کنند، با قید مشقت و سختی شدید، مصداق «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» خواهند بود.

۳. تقریر شبهه

یکی از شبهاتی که در سال‌های اخیر درباره روزه ماه مبارک رمضان در فضای مجازی مطرح شده و منشا قرآنی دارد، شبهه وجوب روزه ماه مبارک رمضان است. در تقریر آن گفته شده است: سردرگمی تفسیری ناشی از ابهام در درک ساختاری مجموعه سه آیه ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره تا آنجا جلو رفته که فعل مثبت «یطیقونه» در آیه «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ...» (بقره/ ۱۸۴) توسط مفسران به طور سلیقه‌ای و کاملاً وارونه، فعل منفی فرض شده است و معنای جمله را کاملاً تغییر داده‌اند. در این آیه گفته شده است که هر کس توانایی دارد، به عنوان «فدیه» جایگزین روزه به مسکین طعام دهد؛ اما مفسران با منفی کردن این فعل مثبت، چنین تفسیر کرده‌اند: هر کس توانایی روزه گرفتن ندارد، به عنوان کفاره به مسکین طعام دهد (سلیم، <http://www.booyebaran.ir/?p=23085>).

اینان در کنار اصل این مدعا، برخی روایات را که در آن‌ها ائمه علیهم‌السلام هنگام اراده معنای عدم توانایی، بر سر ماده «إطاقة» حرف نفی آورده‌اند، مستمسک ادعای خویش قرار داده و گفته‌اند: اگر مراد خداوند از عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» کسانی بود که

قدرت بر روزه نداشتند، باید مانند این روایات بر سر «یطیقونه» حرف نفی می‌آمد و حال که حرف نفی نیامده است؛ پس مراد خداوند دقیقاً افرادی است که توانایی بر روزه گرفتن دارند و همچنان مخیر میان روزه و اطعام هستند (همان).
در این بخش، تعدادی از این روایات را ذکر می‌کنیم:

روایت اول

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«از امت مسلمان نه چیز برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه نمی‌دانند، آنچه تاب و توانش را ندارند (ما لا یطیقون)، آنچه از سر ناگزیری انجام می‌دهند (اضطرار)، کاری که به ستم بدان واداشته شوند (اکراه)، فال بد زدن و...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۶۳/۲).

روایت دوم

در حدیث دیگری با همین مضمون، به چهار امر مرفوع از امت اشاره شده که عبارت‌اند از: خطا، نسیان، اکراه و آنچه طاقت بر آن ندارند (ما لا یطیقون) (اشعری قمی، ۱۴۰۸: ۷۴؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۹/۱).

روایت سوم

از امام حسن عسکری^{علیه السلام} روایت شده است که ایشان ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی یکی از دوستانش را بیان می‌کند تا آخر حدیث که می‌فرماید:
«... پس اگر توانستید، بر شما باد که مثل این اخلاق پسندیده را در خود ایجاد کنید. اگر نتوانستید (فإن لم تطیقوها) همه آن را انجام دهید، پس بهره‌گیری از اندک بهتر از ترک همه آن است»^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۲۳۴؛ حسینی مرعشی تستری، ۱۳۹۶: ۲۲۰-۲۱۹/۱۱).

روایت چهارم

امام سجاده^{علیه السلام} در حدیثی خطاب به خداوند می‌فرماید:

۱. «... فإن لم تطیقوها کُلُّها فَاخْذُ القَلیلِ خیرٌ من ترکِ الکثیرِ، ولا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ».

«خداوند تو بندگان را بیهوده و بی هدف رها ننمودی؛ بلکه ایشان را آفریدی تا تو را عبادت کنند و روزی شان دادی تا تو را سپاس گویند و بیش از توانشان بر آنها تکلیف نکردی...»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۰/۹۴).

روایت پنجم

معصومان علیهم السلام در احادیثی، نسبت به افراطی گری در مسائل فرعی دینی هشدار داده اند؛ مانند آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«مبادا در دین تندروی کنید؛ چرا که خدا آن را آسان قرار داده است. پس از دین به قدری که توانش را دارید (ما تطیقون) بگیرید»^۲ (متقی هندی، ۱۴۱۳: ۳/۳۵).

همان طور که روشن است، امام علیه السلام برای بیان معنای قدرت و توانایی، ماده «إطاقة» را به صورت مثبت به کار برده است. بنابراین «یطیقونه» در آیه ۱۸۳ بقره نیز که به صورت مثبت به کار رفته است، باید به معنای قدرت باشد.

روایت ششم

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند گرامی تر از آن است که بر مردم کاری را بار کند که طاقتش را ندارند (ما لا یطیقونه) و عزیزتر است از آنکه در سلطنتش چیزی اتفاق بیفتد که او نمی خواسته است»^۳ (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶۰/۱).

روایت هفتم

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

«مردم را درباره قدر سه گرایش است: یکی معتقد است که خداوند مردم را بر معاصی مجبور می کند؛ این شخص خدا را در داوری ظالم دانسته و کافر است.

۱. «سَيِّدِي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنَ الْمُوقِنِينَ خَيْرًا وَفَهْمًا، وَالْمُحِيطِينَ مَعْرِفَةً وَعِلْمًا، إِنَّكَ لَمْ تُزَلْ كُتُبَكَ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَمْ تُرْسَلْ رُسُلَكَ إِلَّا بِالصِّدْقِ، وَلَمْ تُزَلْ عِبَادَكَ هَمَلًا وَلَا سُذًى، وَلَمْ تَدْعُهُمْ بِغَيْرِ بَيِّنٍ وَلَا هُدًى، وَلَمْ تَرْضَ مِنْهُمْ بِالْجَهَالَةِ وَالْإِضَاعَةِ، بَلْ خَلَقْتَهُمْ لِيُعْبُدُوكَ، وَرَزَقْتَهُمْ لِيَحْمَدُوكَ، وَذَلَّلْتَهُمْ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ لِيُؤْخَذُوكَ، وَلَمْ تُكَلِّفْهُمْ مِنَ الْأَمْرِ مَا لَا يَطِيقُونَ، وَلَمْ تُخَاطِبْهُمْ بِمَا يَجْهَلُونَ، بَلْ هُمْ بِمَنْهَجِكَ عَالِمُونَ...».
۲. «إِنَّا كُمْ وَالْعَمَقُ فِي الدِّينِ! فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَهُ سَهْلًا، فَخُذُوا مِنْهُ مَا يَطِيقُونَ».
۳. «هَشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَكُلِّفَ النَّاسَ مَا لَا يَطِيقُونَهُ وَاللَّهُ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي سُلْطَانِهِ مَا لَا يُرِيدُ».

دیگری معتقد است که کار به خود انسان‌ها وانهاد و تفویض شده است؛ این شخص هم خدا را در سلطنت خویش ضعیف دانسته و کافر است. اما سومی معتقد است که خداوند به بندگانش تنها کارهایی را تکلیف می‌کند که طاقتش را دارند (ما یطیقون) و هرگز کاری را بر آن‌ها بار نمی‌کند که طاقتش را نداشته باشند (ما لا یطیقون)؛ در عین حال این شخص چون کار نیکی انجام دهد، خدا را ستایش می‌کند»^۱ (همان: ۳۶۱/۱).

۴. بررسی و نقد شبهه

۱-۴. تبیین روایات

در برداشت از این دسته روایات به عنوان مؤید بر ادعای حکم تخییر میان روزه گرفتن و اطعام مسکین، بر خلاف دیدگاه همه فقها و مفسران قرآن و مخالف اجماع مسلمانان در وجوب روزه ماه رمضان، سوء برداشتهایی انجام گرفته که پاسخ به آن امری لازم است.

پس از ارزیابی و در مقام پاسخ به شبهه احتمالی که از احادیث مذکور -مانند حدیث رفع و...- ممکن است برداشت شود، می‌گوییم: طبق بیان رسول خدا ﷺ و امام صادق (علیه السلام) در حدیث رفع، آنچه توانایی بر آن نیست، از امت رفع نشده است؛ زیرا رفع تکلیفی که توانایی بر انجام آن نیست، جنبه امتنانی نداشته و لطفی محسوب نمی‌شود؛ چرا که خداوند هیچ‌گاه کسی را به آنچه توانایی ندارد، مکلف نمی‌کند و این امر نیازی به ذکر ندارد؛ ضمن اینکه اگر مراد مطلق قدرت بود، می‌توانست از ماده «قدر» و عبارت «ما لا یقدرون» استفاده شود. بنابراین چنانچه نیاز باشد تا مؤمنان برای انجام تکلیفی، مشقت فراوانی را نیز تحمل کنند، آن تکلیف از آنان رفع می‌شود. بنابراین مقصود از «ما لا یطیقون» که تکلیف از آن رفع شده، فعلی است که همراه با تحمل سختی فراوان انجام شود.

بنابراین مقصود از عبارت «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» در آیه ۱۸۴ سوره بقره نیز همان کسانی

۱. «عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنَّ النَّاسَ فِي الْقَدْرِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ أَجَبَرَ النَّاسَ عَلَى الْمَعَاصِي فَهَذَا قَدْ ظَلَمَ اللَّهَ فِي حُكْمِهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَرَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ الْأَمْرَ مَقْضُؤٌ إِلَيْهِمْ فَهَذَا قَدْ أَوْهَنَ اللَّهَ فِي سُلْطَانِهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَرَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ كَلَّفَ الْعِبَادَ مَا يُطِيقُونَ وَلَمْ يَكْلَفْهُمْ مَا لَا يُطِيقُونَ وَإِذَا أَحْسَنَ حَمْدُ اللَّهِ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ فَهَذَا مُسْلِمٌ بَالِغٌ».

هستند که توانایی بر روزه گرفتن دارند، اما این توانایی به صورت مطلق نیست تا ادعای شبهه‌کنندگان ثابت شود، بلکه توانایی همراه با مشقت و سختی فراوان است. قید «مشقت زیاد» در کنار معنای توانایی در واژه «یُطِيقُونَهُ» از دو راه اثبات می‌شود:

۱- از سیاق آیه ۱۸۴: در همین آیه آمده است که مسافر یا مریض، در روزهای دیگر (بعد از سفر یا ایام سلامتی) روزه بگیرند؛ یعنی تکلیف بر روزه گرفتن همچنان استمرار دارد. پس چطور دیگرانی که هیچ‌گونه مریضی ندارند و توانایی مطلق دارند، مخیر میان روزه گرفتن و اطعام باشند؟ در واقع ﴿عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ به معنای افراد عاجز از روزه گرفتن نیست؛ چون افراد ناتوان تکلیفشان روشن بوده و مکلف نیستند. در مقابل، گروهی که به سختی توانایی انجام حکم را دارند، باید عوض تکلیف را که اطعام است، انجام دهند. در روایاتی که ذیل آیه ۱۸۴ سوره بقره نقل شده است، اهل بیت علیهم‌السلام مصادیق این افراد کم‌طاقت را بیان کرده‌اند^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۷۸/۱؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶/۴؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۳۳/۲).

۲- آیه ۲۸۶ بقره: در این آیه، دعاهایی از زبان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنان نقل می‌شود؛ مانند: ﴿...رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ...﴾؛ یعنی خدایا آنچه بر ما دشوار است، بر ما تحمیل نکن. روشن است که ﴿مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ به معنای آنچه قدرت بر آن نداریم، نمی‌باشد؛ زیرا در این صورت چنین دعایی لغو و مخالف حکمت خداوند است؛ چرا که خداوند هیچ‌گاه بندگان را بر آنچه قدرت ندارند، تکلیف نمی‌کند؛ اما گاهی ممکن است مکلف به اموری شوند که با مشقت همراه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۲).

برخی می‌گویند که اگر قید مشقت را در معنای «یُطِيقُونَهُ» در نظر بگیریم، این عبارت شامل مریض و مسافر هم خواهد شد؛ چرا که مریض و مسافر نیز با تحمل مشقت، توانایی روزه گرفتن را دارند. در پاسخ می‌گوییم: شخص بیمار به خاطر مسئله ضرری بودن روزه برای جانش، از این تکلیف در ایام بیماری معاف شده است که

۱. روایت محمد بن مسلم از امام باقر علیه‌السلام: «سالخورده و کسی که عطش آزارش می‌دهد»؛ روایت ابویصر از امام صادق علیه‌السلام: «بیماران و سالخوردگانی که نمی‌توانند روزه بگیرند»؛ روایت ابن بکیر عن امام صادق علیه‌السلام که حضرت درباره سخن خداوند عز و جل: ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ﴾ فرمود: «على الذين كانوا يطيقون الصوم ثم أصابهم كبر أو عطاش أو شبه ذلك فلعليهم لكل يوم مد».

ارتباطی با مشقت ندارد و اما مسافر نیز به خاطر لطف و تسهیلی بر او، در ایام سفر نباید روزه بگیرد و قضای آن را بعداً به جا می‌آورد (عیسی، ۱۳۷۷: ۸۰۳).

به طور کلی، آیات پیرامون روزه (بقره/ ۱۸۳-۱۸۵) حکم ۳ دسته را تبیین می‌کند:

- ۱- افراد قادری که توانایی روزه گرفتن دارند که باید روزه بگیرند.
- ۲- گروهی که دچار بیماری بوده یا در مسافرت هستند که باید قضای هر روز را در ایام غیر بیماری و سفر به جا آورند.
- ۳- عده‌ای که با رنج و زحمت می‌توانند روزه بگیرند، مانند پیران یا نوجوانانی که خوف ضرر ندارند، اما روزه گرفتن برایشان بسیار دشوار بوده و با مشقت همراه است. این گروه اگر روزه نگرفتند، باید جایگزین و بدل از روزه، یک مد طعام به مسکین بدهند.

دسته چهارمی نیز وجود دارند که شامل افراد عاجزی هستند که اصلاً توان روزه گرفتن ندارند، اما آیه متعرض آن‌ها نشده است. اینان ظاهراً نه مکلف به روزه هستند و نه مکلف به غذا دادن به نیازمند.

۲-۴. معنای قرآنی «یُطِيقُونَهُ»

- واژه «طاقت» و مشتقات آن در چهار آیه از قرآن کریم به کار رفته است:
- «به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود»^۱ (آل عمران/ ۱۸۰).
 - «و بر آنان که روزه گرفتن طاقت‌فرساست، طعام دادن به یک نیازمند کفاره آن است»^۲ (بقره/ ۱۸۴).
 - «گفتند: امروز ما را یارای مقابله با جالوت و سپاهیان‌ش نیست»^۳ (بقره/ ۲۴۹).
 - «پروردگارا آنچه تاب آن را نداریم، بر ما تحمیل مکن»^۴ (بقره/ ۲۸۶).
- غیر از آیه ۱۸۴ بقره، در معانی آیات دیگر ابهامی وجود ندارد. گروهی حرف همزه

۱. «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَجَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...».

۲. «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ...».

۳. «قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ...».

۴. «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ...».

در واژه «إِطَاقَة» را همزه سلب می‌دانند و «إِطَاقَة» را «ناتوانی» معنا کرده‌اند. بنابراین پرداخت فدیة فقط برای افرادی است که قدرت روزه گرفتن ندارند (حقّی بروسوی، بی‌تا: ۲۹۰/۱).

دسته‌ای از مفسران با تبیین کلمه «طاق» به قدرت توأم با رنج و زحمت بسیار، مصداق «يُطِيقُونَهُ» را روزه همراه با سختی دانسته‌اند (حسینی آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵: ۴۵۶/۱). برخی دیگر مفهوم آن را توسعه داده‌اند که شامل حامل، مرضع و شاغلان کارهای سخت و سنگین نیز می‌شود (رشید رضا، بی‌تا: ۱۵۷/۲).

جمله «يُطِيقُونَهُ» در اینجا با توجه به اینکه ضمیر آخر آن به روزه برمی‌گردد، مفهومش این است که برای انجام روزه، نهایت توانایی خود را باید به کار برند، یعنی شدیداً به زحمت ییقتند و این در مورد پیران و بیماران غیر قابل علاج می‌باشد. بنابراین آن‌ها از حکم روزه معاف‌اند و تنها به جای آن فدیة می‌پردازند -ولی بیمارانی که بهبودی می‌یابند، موظف‌اند که قضای روزه را بگیرند- (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۸).

علامه طباطبایی در تفسیر فراز «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ» در آیه ۱۸۴ سوره بقره می‌فرماید:

«واژه «يُطِيقُونَهُ» از مصدر «إِطَاقَة» است و این واژه در مفهوم به کار بستن تمامی قدرت در عمل استعمال شده است. لازمه این برداشت آن است که اکثر نیروی انسان در انجام فعلی مصرف شود که موجب تحمل سختی فراوان خواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۷/۲).

۳-۴. سیاق آیات ۱۸۳ تا ۱۸۵ بقره

مطابق سیاق، آیه اول در مورد کسانی است که روزه بر آن‌ها ادائاً یا قضائاً واجب است. سپس در مقابل این دسته، معذورین را ذکر می‌کند. ابتدا حکم کسانی را بیان می‌کند که از نظر اداء معذورند، که باید در ایام دیگری روزه را بگیرند. در ادامه بیان افراد، «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» ذکر شده است، که نه مانند اشخاص سالم هستند که اداء روزه برایشان بدون تحمل سختی فراوان است و نه مانند مریض و مسافر هستند که از اداء معذورند، ولی در قضا مشکلی ندارند. از سیاق، قید معذوریت استفاده می‌شود. لذا گروه سوم، عذری مانند مشقت زیاد دارند که با قدرت بر انجام عمل همراه است.

مطابق مباحث ادبیاتی نیز این سه آیه باید با هم نازل شده باشند؛ زیرا واژه «أَيَّامًا» در ابتدای آیه ۱۸۴، ظرف بوده که متعلق به کلمه «صیام» در آیه ۱۸۳ است. همچنین جمله «شَهْرُ رَمَضَانَ» در آیه ۱۸۵، یا خبر است برای ضمیری محذوف که به «أَيَّامًا» برمی گردد و یا مبتدا برای خبر محذوف است و تقدیرش «شَهْرُ رَمَضَانَ هُوَ الَّذِي كُتِبَ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ» است و یا بدل از کلمه صیام در جمله «كُتِبَ عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ» در آیه ۱۸۳ است. بنابراین جمله «شَهْرُ رَمَضَانَ» توضیحی است برای جمله «أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ»، ایام معدوده‌ای که روزه در آن‌ها واجب شده است (همان: ۳/۲).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: گفتار این سه آیه به منزله زمینه‌چینی است برای قسمت دیگر آن؛ یعنی دو آیه اول به منزله مقدمه است برای آیه سوم؛ چون در آیه سوم تکلیفی واجب می‌شود که صاحب کلام اطمینان ندارد از اینکه شنونده از اطاعت آن سربچی نکند. برای اینکه تکلیف نامبرده تکلیفی است که بالطبع برای مخاطب، شاق و سنگین است و به این منظور، دو آیه اول از جملاتی ترکیب شده‌اند که هیچ یک از آن‌ها از هدایت ذهن مخاطب به تشریع روزه رمضان خالی نیست. اگر خواننده در آیات سه گانه مورد بحث دقت کند، خواهد دید که هر سه، یک غرض را دنبال می‌کنند. آنگاه اگر این کلام واحد و پیوسته را با نظریاتی همچون نسخ یا برداشت معنای توانایی از کلمه «یطبقونه» که برخی از مفسران هم بیان کردند، تطبیق دهد، خواهد دید که دیگر آن سیاق پیوسته را ندارد، جملاتش با یکدیگر متنافی است، یک جا می‌گوید: «روژه بر شما واجب شده»، در ادامه می‌گوید: «آن‌هایی که می‌توانند روزه بگیرند، می‌توانند افطار کرده به جای آن طعام دهند» و در آخر می‌گوید: «روژه بر همه شما واجب است» تا حکم آخر، ناسخ حکم فدیة نسبت به خصوص قادران باشد و حکم فدیة نسبت به غیر قادران به حال خود باقی بماند، با اینکه در آیه شریفه بر پایه این تصویر، حکم غیر قادران اصلاً بیان نشده است (همان: ۴/۲).

با توجه به آنچه ذکر شد، آیات سه گانه به لحاظ ترکیبی کاملاً به هم مرتبط بوده و غرض واحدی را که همان وجوب روزه ماه رمضان است، دنبال می‌کنند. بنابراین دلیلی ندارد که در عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ» خداوند جواز روزه گرفتن را برای افراد قادر اراده کرده باشد.

۴-۴. دستوراتی برای کاستن از سنگینی روزه

چنان که می‌دانیم، شروط واجب شدن روزه عبارت‌اند از: ۱- حضور در وطن، یعنی انسان در مسافرت نباشد؛ ۲- سلامتی؛ ۳- توانایی؛ پس اگر روزه گرفتن برای کسی مشقت زیاد داشته و طاقت‌فرسا باشد، مانند افراد سالمند، جایز است که به جای هر روز روزه گرفتن، یک فقیر گرسنه را سیر کند و بهتر است که بیشتر از آن طعام بدهد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲/۲۲۱-۲۲۳).

بر این اساس، روزه ماه رمضان بر چندین گروه واجب نیست و در شرایطی حرام است. افزون بر عنوان‌های سفر، بیماری، زیان جسمی، بارداری و شیر دادن که با شرایطی، مانع وجوب روزه هستند، افرادی که روزه برای آنان دشوار و مشقت‌بار باشد، معذور خواهند بود و روزه بر آنان واجب نیست. این حکمی است که نه تنها در چندین حدیث آمده و همه فقها بر آن اتفاق نظر دارند (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷/۱۴۴)، بلکه قرآن کریم نیز با ملاکی کلی آن را ذکر کرده است و پس از اعلام حکم وجوب روزه ماه مضان و اینکه بیماران و مسافران باید در وقتی دیگر قضا کنند، به کسانی اشاره کرده که روزه‌داری برای آنان نوعاً طاقت‌فرساست و خاطرنشان کرده که آنان به جای روزه گرفتن، باید به افراد تنگدست غذا به عنوان کفاره بدهند. در چند حدیث، مقصود از این افراد سالمندان و کسانی شمرده شده‌اند که نمی‌توانند روزه بگیرند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۰۹-۲۱۴) و فقها عدم توانایی را به دشواری و مشقت گسترش داده‌اند.

این افراد همان گونه که در آیه یادشده آمده و در احادیث به صورت روشن تصریح شده است، برای هر روزی که از ماه رمضان روزه نمی‌گیرند، باید به اندازه یک وعده غذا - که یک مد حدود ۷۵۰ گرم است - به افراد تنگدست بدهند، به ویژه اگر ناتوان از روزه‌داری نباشند و روزه گرفتن برای آنان دشوار باشد (کلینی، ۱۳۶۵: ۷/۵۱۶).

هدف دین، رشد و سعادت مردم است و خداوند نمی‌خواهد با دستورات سخت و طاقت‌فرسا، افراد را از دین بیزار نماید. معیار خداوند در جعل احکام، مصالح انسان‌هاست. جمله «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/ ۱۸۵) نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری احکام در صورت عارض شدن عسر و حرج است. لذا در هر تکلیفی، شرایط و حالات مکلفان را کاملاً در نظر گرفته تا اکثر مردم آن را بپذیرند و برای دستور روزه،

زمینه‌سازی فراوانی شده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- اینکه خداوند مردم را با عبارت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ مخاطب قرار داده است، نشان‌دهنده احترام و ارزش گذاشتن برای افراد است.
- ۲- خداوند با بیان اینکه روزه بر امت‌های پیشین واجب بوده است، قصد تفهیم این مطلب را دارد که روزه وظیفه دشوار و برنامه غیر قابل تحمّل نبوده و خداوند تنها آن را برای امت اسلام واجب نکرده است.
- ۳- استثنائات مذکور در آیه شریفه (بیماران، مسافران، کم‌طاقان)، بیانگر توجه دین به احوالات، شرایط مکانی و زمانی افراد است.
- ۴- تعظیم ماه رمضان به عنوان ماهی که قرآن در آن نازل شده و مسلمانان در این ماه مبارک موظف به روزه‌داری شده‌اند.
- ۵- یکی از مواردی که بسیار در زمینه‌سازی پذیرش دستور روزه مهم می‌باشد، بیان فواید روزه‌داری است. کسب مقام تقوا و شکرگزاری پروردگار، همچنین درک حال گرسنگان و ترغیب مؤمنان به انفاق، از مهم‌ترین فواید روزه‌داری است (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵۰۳/۱).

۵. مفاهیم سه‌گانه یطیقونه در تراجم

خلاصه بررسی‌های به عمل آمده در ترجمه‌ها این است که از «یطیقونه» سه مفهوم برداشت شده است:

مفهوم اول

کسانی که قدرت، توانایی و طاقت روزه گرفتن دارند، که در این معنا «لا» در تقدیر گرفته شده است؛ آن‌چنان که عده‌ای با توجه به این معنا، آیه را ترجمه کرده‌اند، مانند ترجمه‌های روان جاوید، روض الجنان، شعرانی، طبری، دهلوی، کشف الاسرار، و از ترجمه‌های انگلیسی: پیکتال، سرور، آربری.

مفهوم دوم

کسانی که قدرت و توانایی بر روزه ندارند؛ زیرا تکلیف بر کسانی که قادر به روزه

نیستند، جایز نیست و روزه از اینان ساقط است؛ آن‌چنان که برخی در ترجمه، فعل «يُطِيقُونَهُ» را به معنای کسانی که توانایی ندارند، ترجمه کرده‌اند، مانند ترجمه‌های آدینه‌وند، آیتی، پاینده، پورجوادی، تفسیر کاشف، تفسیر المیزان، جوامع الجامع، حجتی، صلواتی، کاویانپور، مخزن العرفان، معزی، تفسیر نور خرم‌دل، ریاعی، مرکز طبع و نشر قرآن، و از ترجمه‌های انگلیسی: شاکر.

مفهوم سوم

کسانی که روزه گرفتن برایشان طاقت فرساست و باید تمام توان، طاقت و قدرتش را به کار گیرند و این امر با رنج و مشقت فراوان همراه می‌باشد، مانند ترجمه‌های مکارم شیرازی، رضایی اصفهانی، انصاریان، صفوی، سراج و....

نتیجه‌گیری

بنابراین آیه شریفه، حکم کسانی را که قدرت بر روزه گرفتن دارند، بیان نمی‌کند؛ زیرا «طاقت» به معنای مطلق قدرت نیست و مستلزم قائل شدن به نسخ یا در تقدیر گرفتن فعل «کانوا» می‌باشد که صحیح نیست. همچنین حکم کسانی را که توانایی ندارند نیز بیان نمی‌کند؛ زیرا مستلزم در تقدیر گرفتن حرف «لا» می‌باشد که مخالف ظاهر است.

قید «مشقت زیاد» در کنار معنای توانایی در واژه «يُطِيقُونَهُ»، از دو راه اثبات می‌شود:

۱- از سیاق آیه ۱۸۴ که برای مسافر و مریض تنها وجوب قضا را در ایام دیگر معین می‌کند. بنابراین افراد قادر یقیناً مشمول حکم روزه خواهند بود.

۲- آیه ۲۸۶ بقره که در این آیه از زبان پیامبر ﷺ و مؤمنان دعاهایی نقل می‌شود؛ مانند: ﴿... رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ...﴾. «ما لا طاقة لنا» به معنای آنچه قدرت بر آن نداریم، نمی‌باشد؛ زیرا در این صورت چنین دعایی لغو و مخالف حکمت خداوند است؛ چرا که خداوند هیچ‌گاه بندگانش را بر آنچه قدرت ندارند، تکلیف نمی‌کند. با توجه به آنچه ذکر شد، آیات سه‌گانه به لحاظ ترکیبی کاملاً به هم مرتبط بوده و

غرض واحدی را که همان وجوب روزه ماه رمضان است، دنبال می کنند. بنابراین دلیلی ندارد که در عبارت ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ﴾ خداوند جواز روزه گرفتن را برای افراد قادر اراده کرده باشد؛ بلکه برعکس، قرآن کریم پس از اعلام حکم وجوب روزه ماه رمضان و اینکه بیمار و مسافر باید در وقتی دیگر قضا کند، به کسانی اشاره کرده که روزه داری برای آنان نوعاً طاقت فرساست و خاطرنشان کرده که آنان به جای روزه باید به افراد تنگدست غذا به عنوان کفّاره بدهند. در چند حدیث، مقصود از این افراد بیان گردیده و به ذکر مصادیق ایشان پرداخته شده است.



کتاب شناسی

۱. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن ابی حاتم محمد بن ادريس، تفسير القرآن العظيم مستنداً عن الرسول ﷺ و الصحابة و التابعين (تفسير ابن ابی حاتم الرازی المسمى بالتفسير بالمأثور)، چاپ سوم، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن شعبه حرّانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسين، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تصحيح علی اکبر غفاری، تهران، بی نا، ۱۳۷۶ ق.
۳. ابن عطيه اندلسی، ابو محمد عبدالحق بن غالب، المعرّز الوجيز فی تفسير الكتاب العزيز، بی جا، المجلس العلمی بفاس، ۱۳۹۵ ق.
۴. اشعری قمی، ابو جعفر احمد بن محمد بن عيسى، کتاب النوادر، قم، مدرسة الامام المهدي ﷺ، ۱۴۰۸ ق.
۵. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، الجامع الصحيح، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ ق.
۶. بغوی، ابو محمد حسين بن مسعود، تفسير البغوی (معالم التنزيل)، رياض، دار طيبة، ۱۴۲۳ ق.
۷. بنت الشاطی، عايشه عبدالرحمن، اعجاز بياني قرآن به ضميمه شرح مسائل ابن ازرقي، ترجمه حسين صابري، تهران، شركت انتشارات علمي و فرهنگي، ۱۳۷۶ ش.
۸. جصاص، ابوبكر احمد بن علی رازی، احكام القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۵ ق.
۹. حرّ عاملي، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. حسینی آلوسی بغدادی، شهاب الدين سيد محمود بن عبدالله، روح المعاني فی تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، تحقيق علی عبدالباري عطيه، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. حسینی بحرانی، سيد هاشم بن سليمان، البرهان فی تفسير القرآن، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. حسینی مرعشي تستری، سيد نورالله، احقاق الحق وازهاق الباطل، تهران، المكتبة الاسلاميه، ۱۳۹۶ ق.
۱۳. حقی بروسوی، اسماعيل بن مصطفى، روح البيان فی تفسير القرآن، بيروت، دار الفكر، بی تا.
۱۴. خفاجی، شهاب الدين احمد بن محمد بن عمر، حاشية الشهاب المسماة غایة القاضی و كفاية الراضی علی تفسير البيضاوی، بيروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. داودی، شمس الدين محمد بن علی بن احمد، طبقات المفسرين، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت - دمشق، دار العلم - الدار الشاميه، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. رشید رضا، محمد، تفسير المنار، چاپ دوم، بيروت، دار المعرفة، بی تا.
۱۸. زرکشی، بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، قاهره، دار احياء الكتب العربية، ۱۳۷۶ ق.
۱۹. سبحانی، جعفر، قرآن، آفتابی که غروب ندارد، قم، مؤسسه امام صادق ﷺ، ۱۳۹۹ ش.
۲۰. سليم، آرش، «روزه؛ سه روز يا سی روز؟»، <<http://www.booyebaran.ir/?p=23085>>.
۲۱. سمرقندی، ابوليث نصر بن محمد، تفسير السمرقندی المسمى بحر العلوم، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۶ ق.
۲۲. سهيلي، عبدالرحمن بن عبدالله، الروض الانف فی شرح السيرة النبوية لابن هشام، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. سیوری حلی (فاضل مقداد)، جمال الدين مقداد بن عبدالله، كنز العرفان فی فقه القرآن، تصحيح محمدباقر شريف زاده و محمدباقر يهودی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ ش.

۲۴. شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد بن علی اشکوری دیلمی، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش.
۲۵. صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ ق.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۲۸. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم بن عبدالعظیم، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۱. طیب حسینی، سید محمود، «نقش واژه شناسی در حل شبهات قرآنی»؛ بررسی موردی واژه های «یطبقونه»، «تراث» و «صبی»، دوفصلنامه شبهه پژوهی مطالعات قرآنی، سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۳۲. عبدالباقی، محمد فواد، «من تاریخ الشریع: الآیة المنسوخة ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ﴾»، مجله الأزهر، ج ۲۷، شماره ۹ (پیاپی ۱۵۲)، ۱ رمضان ۱۳۷۵ ق.
۳۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۳۴. عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۳۵. عیسی، عبدالرحمن، «اصیام رمضان»، مجله الأزهر، ج ۲۹، شماره ۹ (پیاپی ۱۷۱)، رمضان ۱۳۷۷ ق.
۳۶. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۳۷. فراهیدی، ابوعبدالله الرحمن خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.
۳۸. قرشی بنابی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح سید طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، قم، دار الکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۴۱. کاشانی، ملافتح الله بن شکرالله، تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تصحیح عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۸ ش.
۴۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۴۳. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۴۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۵. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۴۶. مسعودی، محمد مهدی، «بازکاوی واژه طاقت در آیه صوم»، *دوفصلنامه آموزه های قرآنی*، سال نهم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۴۷. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۴۸. مغنیه، محمدجواد، *ترجمه تفسیر کاشف*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۴۹. مقرئ فیومی، احمد بن محمد بن علی، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، بی جا، بی تا، بی نا.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۵۱. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تحقیق علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۵۲. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۵۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، ۱۳۴۱ ش.

